

کوپن الکترونیکی باید و نباید‌ها؛

بازگشت به دهه ۶۰ و ۷۰ یا حرکتی بسوی جلو؟

مهدی بیرانوند روزمان



کوپن همان کالا برگی که در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ جزئی از سبد اقتصادی مردم بود. برگ های کوچکی که شماره و تعداد افراد خانواده روی آن طراحی شده بود و در دهه ۸۰ و ۹۰ در ذهن مردم نوستالژی محسوب می شد. همان کالابرگی که مادران گوشه چادر یا روسری هایشان جاساز و گره می کردند و با سسید های قرمز پلاستیکی در صف های طولانی برای گرفتن اقلام اعلام شده می ایستادند. همان روزهایی که مردم به صفحه تلوزیون زل می زدند تا ستاد بسیج اقتصادی شماره کوپن یکی از ارزاق عمومی را برایشان اعلام کند. کوپن فروشی و بازار سیاه از اصطلاحات رایج دهه ۶۰ بود که بیم آن می رود با طرح جدید مجلس، باز هم به ادبیات اقتصادی خانوارها باز گردد سوال اینجا است که بازگشت کوپن به اقتصاد آیا ما را از تنگنای گرانی کلای اساسی رها می کند و روبه جلو می برد و گره از مشکلات معیشتی مردم باز می کند یا تنها یک راه حل موقت تا پایان دولت تدبیر و امید است؟ باید اشاره کرد که کوپن های ارزاق عمومی ده نوع بود و از آن زمان توزیع شد تا در صورت لزوم، کالاهایی که ممکن بود به علل مختلف کم یا گران عرضه شود، سهمیه بندی گردد. اما با پایان یافتن جنگ و عادی شدن شرایط اقتصادی کشور، لزوم ادامه فعالیت ستاد بسیج اقتصادی به صورت گسترده منتفی شد و بنابراین، وظایف اجرایی این ستاد به وزارت بازرگانی انتقال یافت. از اوایل دهه ۶۰ تا زمانی که شاهد برچیده شدن سیستم کوپنی در دولت دهم بودیم، سیزده مرحله کالابرگ منتشر شد و در نهایت با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و تغییر شرایط کشور، دیگر نیازی به توزیع کوپن در کشور احساس نشد و ...

ادامه در صفحه ۲

«اقتصادسرآمد» روند معکوس بازار صادرات و واردات پوشاک را بررسی می کند

صادرات پوشاک ایرانی در نقطه صفر

بررسی «اقتصادسرآمد» از روزهای پر تنش اقتصادهای پیشرفته با شیوع کرونا

حفره ۲۸ تریلیون دلاری
در اقتصاد جهان

نمایندگان مجلس درباره همکاری مردم و دولت برای مهار کرونا چه گفتند؟ «اقتصادسرآمد» بررسی می کند

کدام شغل ها ظرفیت
«دورکاری» دارند؟

۳

«اقتصادسرآمد» چرایی خودکشی دونوجوان بوشهری به فاصله یک هفته را بررسی می کند

خودکشی
کریه ترین چهره فقر

۲

ارزهای دیجیتال
معبری برای شکستن
سد تحریم

سپهر محمدی



۵

بازل کن وسفت کن
نمی توانیم مانع بیک های
بعدی کرونا شویم

محمدعلی محسنی بند یی



۳

رابطه بیکاری و پدیده آقا زادگی

نیست و تاریخ بارها این موضوع را ثابت کرده است. یکی از این موارد، پرونده محکومیت یاسین رامین پسر محمدعلی رامین فعال اصولگرا و معاون مطبوعاتی دولت احمدی نژاد است. آخر اردیبهشت ماه سال ۹۸ حکم دادگاه بدوی یاسین رامین "در پرونده اختلاف مالی با جمعیت هلال احمر" اعلام شد. براساس گزارش ها رامین در سه عنوان اتهامی مجموعا به ۱۷ سال حبس محکوم شد که براساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، هفت سال آن اجرا خواهد شد.

قصه ژن های خوب وابستگان به مقامات، سری دراز دارد، اما شاید مهم ترین آن ها کامبیز مهدی زاده داماد رئیس جمهور باشد. وی که از مرداد ۹۷ سکنداری ستاد انرژی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، سوابق علمی چندین ساله خود را عامل موفقیت در این زمینه بیان کرده بود. اما نکته ای که ادعای مهدی زاده را در این رابطه رد می کند، اقدام وی برای استخدام در شرکت نفت در خرداد ماه سال جاری می باشد. این موضوع پس از نگارش نامه یکی از اعضای هیات دولت در ۱۳ خردادماه ۹۹ به جعفر توفیقی رئیس پژوهشگاه صنعت نفت که در آن بر طی شدن مراحل استخدام تاکید شده بود، در رسانه ها مطرح شد. البته داماد حسن روحانی پیش تر نیز برای حضور در یازدهمین دوره انتخابات مجلس از حوزه انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکو ثبت نام کرده بود که در نهایت رد صلاحیت شد.

حمایت کار یکتاوری از جوانان بصورتی که ایمن حمایت تنها متوجه گروهی خاص از این قشر شود، تنها مربوط به دولت و قوای اجرایی نبوده بلکه موضوعی است که سال هاست مورد غفلت مسئولان و مدیران بخش های مختلف کشور قرار گرفته است. بطوریکه در سال های اخیر قانون جامع و موثری در این رابطه توسط نمایندگان مجلس نیز تصویب نشده است.

نمایندگان مجلس که باید نماینده تمام مردم کشور باشند و در راستای حمایت از جوانان به رفع موانع کسب و کار بپردازند، خود به یکی از عوامل اصلی این حمایت کار یکتاوری تبدیل شده اند و موضوع معرفی افراد توسط نمایندگان برای استخدام در دستگاه ها و شرکت های دولتی از موضوعاتی است که متأسفانه به رویه ای معمول تبدیل شده است. در همین راستا، احمد امیرآبادی، نماینده قم و عضو هیئت رئیسه مجلس، خرداد امسال در گفت و گویی تلویزیونی اعلام کرد: «من یک جلسه ای با رئیس سابق ایران خودرو داشتم. وی به من گفت، در این ده دوره مجلس قبل، فقط ۸ هزار نفر از کارمندان ایران خودرو را نماینده ها معرفی کردند... می گفت یک نماینده مجلس ۳۰۰ نفر معرفی کرده است.»

اما درباره نمایندگان مجلس رویه مهلک تری هم وجود دارد که آن فشار نمایندگان به وزرا برای انتصاب افراد مورد نظر خود در دستگاه های اجرایی حوزه انتخابیه است. در این موضوع اساسا هیچ نیت خیری قابل تصور نیست و سراسر شر است. هم باج دهی است و هم دخالت در امور اجرایی. نباید فراموش کرد، جوانان سرمایه های اصلی هر کشور هستند و نیروی جوانی محرک تولید و عامل افزایش نشاط جامعه است و بدون شک برخوردهای شعاری و توجه منحصر به نور چشمی ها در سال های اخیر یکی از دلایل ناکامی های اقتصادی کشور بوده است. توجه مدیران و مسئولان نظام به نخه گرینی بدون توجه به گذشته و ارتباطات افراد و تسهیل کسب و کار جوانان می تواند گره مشکلات کشور در عرصه های مختلف را باز نماید.

محمدامین سرکهچی



در طول سالیان اخیر بارها شاهد سخنانی با مضمون لزوم اعتماد به نسل جوان و بکارگیری نیروی جوان و با انگیزه در مسائل مهم کشور از سوی رهبر انقلاب بوده ایم، شکی نیست که یکی از دلایل تاکید مکرر معظم له به این نکته عدم توجه صحیح مسئولان بوده است. مسئولانی که پس از گذشت ۷ سال از اعتماد این جوانان و مردم به آن ها، حالا وعده های خودشان را نیز به فراموشی سپرده اند.

یکی از وعده هایی که در ابتدای این دولت توسط رییس جمهور بسیار مطرح می شد موضوع حمایت از جوانان و حل مسئله اشتغال جوانان بوده است. دکتر روحانی بارها و بارها در اعلام برنامه ها و دغدغه هایش به مسائل جوانان اشاره کرده و مهمترین عناوین برنامه هایش را بهبود وضعیت اقتصادی، اشتغال و تغییر نگرش به مسائل جوانان عنوان کرده بود. وی در روزهای تبلیغات ریاست جمهوری بارها بر ضرورت بکارگیری جوانان در عرصه های مختلف تاکید کرد بود: «جوان ها باید بیایند و مدیریت ها را به عهده بگیرند. نسل جوان، مدیران آینده کشور هستند و لیاقت های بسیار خوبی دارند. در هیأت وزیران هم هر کجا از نیروی جوان تر استفاده کردیم، نه تنها پشیمان نشدیم، بلکه راضی و خشنود هستیم. به خوبی و پر تلاش کار می کنند. البته یک جاهایی هست که تجربه و سابقه در یک شرایطی مورد نیاز باشد، اما همین مدیران هم باید مدیران جوان را سر کار بیاورند یعنی معاونین و مشاورینی که معرفی می کنند از نسل جوان باشند و از آنها استفاده کنیم.»

اما آنچه که در عمل درباره عملکرد دولت آقای روحانی در حوزه جوانان تا کنون محقق شده است، دریافت لقب «پیرترین کابینه پس از انقلاب» است. اما سسکه حمایت از جوانان روی دیگری نیز دارد، آقا زادگی. پدیده ای که باعث بی اعتمادی و بدبینی عموم مردم، بویژه جوانان نیز شده است. افزایش پدیده آقا زادگی به بهانه استفاده از ظرفیت نسل جوان در سال های اخیر به جایی رسید که اگر جوانگرایی در مناصب دولتی انجام شده برای ژن های خوب وابسته به مقامات بوده و نوعی قبیله گرایی را در مدیریت کشور ایجاد کرده است.

یکی از معروف ترین مثال ها در این رابطه دختر وزیر آموزش و پرورش دولت یازدهم بود که در جریان انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ۹۶ سر زبان ها افتاد. او یکی از وارد کنندگان پوشاک لاچگری از ایتالیا بوده است و شایعات درباره رانت او در واردات کلای برند لوکس همچنان ادامه دارد.

مثال دیگر پرونده شبنم نعمت زاده، دختر وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم است که به علت مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع، مشارکت در اخلاص نظام دارویی کشور، فعالیت غیرمجاز در شبکه دارویی و قاچاق به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری به علاوه ۲۴ ضربه شلاق تعزیری و محرومیت دائم از هر گونه خدمات دولتی محکوم شده است. ناگفته نماند علی اشرف ریاحی، شوهر دختر دیگر نعمت زاده نیز با اتهام معاونت در اخلاص کلان در نظام اقتصادی و تحصیل مال از طریق نامشروع، یکی از متهمان پرونده فساد ۶۶ میلیارد یورویی پتروشیمی کشور است که اکنون متواری می باشد. پدیده آقا زادگی و نور چشمی ها تنها منحصر به یک جریان و حزب سیاسی

قحط الر جال...!؟

بهزاد مومنی مقدم



ما محکوم به مبارزه ایم و امیدوار بودن به آینده و جنگیدن برای آن بزرگ ترین اجبار زندگی ما در این زمان است. حتی در سال کرونا و در شرایطی این چنین نامطلوب از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ما ناچاریم که به اصلاح امید داشته باشیم و به آن فکر کنیم. با وجود موقعیتی به این دشواری شاید نوشتن و گفتن از انتخابات ۱۴۰۰ برای بسیاری از اعضای جامعه ایرانی که در بسامد عوض شدن دولت ها همواره نمودار مشکلات کشور را صعودی دیده اند، غیر ضروری و نامفید تلقی شود؛ با این وجود ما خواه ناخواه به زودی فضای جدیدی را متأثر از عوض شدن قوه مجریه تجربه خواهیم کرد و به همین دلیل است که نمی توانیم به راحتی از کنار چنین رویداد مهمی بگذریم و نسبت به آن بی اعتنا و حتی ناامید باشیم. انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ با وجود بی انگیزگی و ناامیدی بخش وسیعی از جامعه می بایست با رویکردی متفاوت و انتقادی مورد تحلیل قرار گیرد. در گام نخست تصمیم گیران کشور باید معین کنند که آیا به فکر معنا بخشی به انتخابات ۱۴۰۰ کشور هستند یا خیر؟ زیرا اگر بناسست همچون مجلس یازدهم شاهد سیاست محدود کننده و فیلتری باشیم، بقینا بخشی از حمایت و همدلی حداقلی را نیز از دست خواهیم داد. نارضایتی های مردم در حوزه های مختلف بالاخص حوزه اقتصادی معلول سال ها سیاست گذاری ناصحیح و توسعه کاریکاتوری و نامتوازن کشور توسط دولت های مختلف بوده است. ربط دادن مشکلات موجود به دوره اخیر و تطهیر گذشته از خطاهای استراتژیک و راهبردی خطایی است که امروز توسط برخی دنبال می شود. اما حقیقت این است که همواره و در دولت های مختلف،

برخی افراد و مبادی دارای قدرت، حضور افراد لایق و توانا را بر تنبیه اند و اجازه شکوفا شدن بدنه کارشناسی و نخبگی کشور را که بسیاری از آنان از قشر جوان هستند را نداده اند تا اقلیتی ۱۵ درصدی حاکم بر کشور شوند و همین امر باعث حبس شدن انرژی ها و ایجاد حالت انفجاری در سطوح مختلف جامعه شود. با این وجود مشاهده می شود در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند اصلاحات و جراحی های عمیق است، جریانات سیاسی چنان دچار تشبست گفتمانی و فقدان احاطه به مسائل و ضرورت های کشور هستند که ما را از هر گونه تمرکز و اجماع برای درک موقعیت کنونی و لزوم ورود تفکر نو به عرصه مدیریتی کشور ناامید می کنند. همچنان مهره های قدیمی که حالا حتی زست ها و چهره هایشان هم مخاطبان رسانه ها را مکدر می کنند، در فضای سیاسی ایران دست و پا می زنند و شواهد نشان می دهند که همان روندهای بیمار گذشته در سپهر سیاسی ایران پابرجا بوده و امیدی به تغییر آن نخواهد بود. در چند ماه مانده مهمترین رویداد سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران، تکلیف بسیاری از افراد و جریانات مشخص نیست و هیچ اشرافی بر مسائل کشور در نزد هیچ کدام از موثرین در انتخابات آینده مشاهده نمی شود.

حالا نمودارها به نقاط بحرانی خود رسیده اند، ادامه چنین روندهایی می تواند بسیار خطرناک باشد. آنچه مسلم است راه های رفته را نباید دوباره رفت و فرصت هیچ آزمون و خطای دیگری نیز وجود ندارد. در این مقطع خاص ما باید درست ترین راه را انتخاب کنیم و در آن راه بهترین عملکرد را داشته باشیم. با این وجود و با مطالعه رفتارهای سیاسی فعالان این عرصه به نظر می رسد چنین تفکری در میان بازیگران اصلی انتخابات ۱۴۰۰ وجود ندارد و ما در آستانه فصلی تکراری در مدیریت اجرایی کشور هستیم.

جناب آقای مهندس پاپی زاده

انتصاب حضر تعالی به عنوان ریاست سازمان امورعشایر را صمیمانه تبریک عرض نموده. از خداوند متعال توفیقات روزافزون تان را در خدمت گزاری به مردم ایران زمین خواستارم.

فیروز اسماعیلی

مدیر مسئول روزنامه اقتصاد سرآمد

